



# پارلمان

## و پیدایش آن در جهان

علی نقی جهانی هاچه سو

متصدی امور گزارشات دولتی کتابخانه مجلس

«دموکراسی قبل از این که دستور سیاست باشد شیوه تفکر خاصی است.»  
(هرولد لاسکی)

یکدیگر عمل کرده، نه پارلمان قدرت واژگون ساختن حکومت از طریق رأی عدم اعتماد را دارد و نه قوه مجریه می‌تواند مجلس را منحل نماید. البته در این سیستم هم، رئیس جمهوری با وجود قدرت بالا، از نظر مالی و تصویب قوانین مالی به پارلمان متکی است. اما اگر تفکیک قوا به صورت متعادل و انعطاف‌پذیر به وجود آید، به نحوی که قوه مقننه نقش تأیید یا تعیین را از طریق رأی اعتماد را برای قوه مجریه داشته و قوه مجریه نیز حق انحلال مجلس را دار بوده و در عوض در مقابل آن مسئول باشد، رژیم پارلمانی به وجود می‌آید.

«ماریوت» براساس بنیاد سه جاتبه طبقه بندی حکومت‌ها سه نوع حکومت: پادشاهی یا ریاستی؛ پارلمانی یا کابینه‌ای و استبدادی را از هم تفکیک می‌کند که ملاک این تقسیم‌بندی، رابطه قوه مجریه با قوه مقننه است.<sup>(۸)</sup> بنابراین اگر قوه مجریه برتر از قوه مقننه باشد، حکومت استبدادی است و اگر قوه مجریه با قوه مقننه هم‌تراز باشد حکومت ریاستی است و اگر قوه مجریه تابع قوه مقننه باشد، حکومت پارلمانی یا مسئول شناخته می‌شود. در تقسیم بندی «ماریوت» نیز ملاک شناخت حکومت پارلمانی از سایر حکومت‌ها، نوع رابطه قوه مجریه و قوه مقننه می‌باشد.

### ارکان و بنیادهای پارلمانتاریسم (دموکراسی پارلمانی)

در تبیین پارلمانتاریسم به عنوان یک اندیشه حکومت و یک شکل اجرای دموکراسی، می‌توان ارکان و بنیادهای آن را با توجه به رشد تدریجی این اندیشه در غرب چنین برشمرد:

- حاکمیت مردم و مشارکت همگانی در حکومت؛ (۲) برگزاری انتخابات آزاد و عمومی؛
- تجدید قدرت حکومت به وسیله قانون مشروطیت؛ (۴) تفکیک قوا؛ (۵) تأکید بر آزادی‌های فردی و حقوق سیاسی؛ (۶) پذیرش چندگانگی (پلورالیسم) سیاسی؛ (۷) حکومت اکثریت و رعایت حقوق اقلیت؛ (۸) مسئول بودن قوای اجرایی در برابر پارلمان؛ (۹) برابری مردم، (۱۰) توزیع خردمندانه قدرت.

### اشکال مختلف رژیم‌های پارلمانی

سیر تکامل رژیم‌های پارلمانی را براساس اندیشه پارلمانتاریسم در عصر جدید شامل مراحل زیر دانسته‌اند:

در رژیم‌های دموکراتیک امروزی، پارلمان نماد حاکمیت مردم و دموکراسی است. در کشورهای مختلف پارلمان را با عناوین گوناگونی نام می‌برند: در انگلستان «پارلمنت» در آمریکا: «کنگرس» در اسپانیا «کورتس» در آلمان «بوندت» در فرانسه «اتارژونرو» و در ایران «مجلس» گویند.

### جایگاه رژیم پارلمانی در تقسیم بندی رژیم‌های سیاسی جدید

رژیم پارلمانی به عنوان ثمره دولت نمایندگی، امروزه یکی از اشکال نوین دولت‌ها محسوب می‌شود. مهم‌ترین ویژگی رژیم پارلمانی که سبب شناخته شدن آن به عنوان یکی از انواع رژیم‌های سیاسی نمایندگی است، روابط میان قوای مختلف است، چرا که براساس روابط بیناین قوای مختلف، دو نوع رژیم به وجود می‌آید:

**الف: رژیم اختلاط قوا:** که در آن ممکن است قدرت در دست یک فرد و یا یک مجلس متمرکز باشد. در حالت اول رژیم پادشاهی یا دیکتاتوری برقرار می‌شود و در حالت دوم رژیم کنوانسیون‌ی ایجاد می‌گردد. در این نوع رژیم، هیچ تفکیک خاصی میان قدرت‌ها صورت نگرفته است.

**ب: رژیم تفکیک قوا:** که در ظاهر به شکل سلطنتی و یا جمهوری است ولی در آن تفکیک میان قوای قانونگذاری و اجرایی صورت گرفته است. در صورتی که تفکیک قوا به صورت کامل و غیرانعطاف‌پذیر صورت پذیرد، رژیم ریاستی به وجود خواهد آمد که در آن قدرت اجرایی در دست یک نفر متمرکز است که آن فرد برگزیده مردم می‌باشد. قدرت قانونگذاری نیز در پارلمان منتخب مردم متمرکز گردیده است و بدین ترتیب قوه قانونگذاری و قوه اجرایی که هر دو مشروعیت خویش را به طور مستقیم از مردم کسب می‌نمایند، کاملاً مستقل از

پارلمانتاریسم یا رژیم پارلمانی در ادبیات سیاسی نوین، به عنوان یکی از انواع رژیم‌های دموکراتیک بر مبنای نوع رابطه قوه مقننه و قوه مجریه شناخته می‌شود.<sup>(۱)</sup>

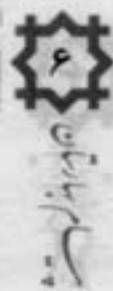
پارلمانتاریسم یا دموکراسی پارلمانی یا حکومت نمایندگی، شکلی از حکومت است که در آن شهروندان حق خود را نه از طریق شخص خود، بلکه از طریق نمایندگانی که برگزیدند، و در قبال ایشان مسئول هستند، اعمال می‌نمایند.<sup>(۲)</sup> این نمایندگان که با اکثریت آرای مردم برگزیده شده‌اند، قوه مقننه را تشکیل می‌دهند و قوانین را وضع می‌کنند و وظیفه برگزیدن رؤسای قوه مجریه را از میان خود یا افراد نخبه خارج مجلس بر عهده دارند.<sup>(۳)</sup>

پارلمانتاریسم به معنای رژیم پارلمانی یا نظام پارلمانی را باید محصول عملی اندیشه

پارلمانتاریسم و دموکراسی پارلمانی دانست که تعاریفی مختلف برای آن ارائه گردیده است. در این معنا، پارلمانتاریسم روش کشورهایی است که در آنها پارلمان در مقام قانونگذار قرار دارد و قوه مجریه در برابر آن مسئول است و تعیین وزیران و نخست وزیر با رأی اعتماد پارلمان صورت می‌گیرد. هر گاه قوه قانونگذاری از هیأت وزیران سلب اعتماد کند آن هیأت برکنار می‌شود و هیأت دیگری بر سر کار می‌آید.<sup>(۴)</sup> به عبارت دیگر، در این شکل حکومت، «دوره تصدی مقام اجرایی واقعی» به اراده قوه مقننه بستگی دارد.<sup>(۵)</sup>

**مفهوم پارلمان:** واژه پارلمان از کلمه لاتین پارلیامنتوم<sup>(۶)</sup> به معنای «صحبت کردن» مشتق شده است.

هیاتی را که در هر کشور برای وضع و تصویب قوانین و نظارت بر اجرای آنها از سوی مردم برگزیده می‌شود، پارلمان گویند.<sup>(۷)</sup>





۱) حکومت پارلمانی دو نفری، ۲) حکومت پارلمانی یک نفری، ۳) رژیم پارلمانی پیشرفته معاصر.

### نمونه‌های معروف رژیم پارلمانی

۱) پارلمانتاریسم اورلئانی، ۲) پارلمانتاریسم وایماری، ۳) پارلمانتاریسم دوگلی

### مواضع مختلف در برابر پارلمانتاریسم

در حالی که اندیشه پارلمانتاریسم گام به گام در حال گسترش در اروپا، آمریکا و سایر کشورهای جهان بود، ایرادهای بسیاری از سوی اندیشمندان بر آن وارد می‌گشت و در برخی از کشورها به شدت مورد مخالفت قرار می‌گرفت. در روسیه و به دنبال آن کشورهای کمونیستی، با دموکراسی پارلمانی مخالفت می‌شد و به جای آن، «دموکراسی توده‌ای» یا «دیکتاتوری دموکراتیک» ترجیح داده می‌شد. آنها در توجیه مشارکت مردم در حکومت می‌گفتند: «برای محو کردن جامعه طبقاتی لازم است که طبقات زحمتکش یا پرولتاریا که اکثریت عددی جامعه را تشکیل می‌دهند، دیکتاتوری طبقاتی خویش را برقرار سازند. به این ترتیب طبقات اقلیت، سهمی در حکومت ندارند، زیرا طبقات استثمار کننده جامعه را در بر می‌گیرند.»<sup>(۱)</sup> که البته در عمل جز

این شد. برخی از مخالفان پارلمانتاریسم نیز اشکالات اجرایی آن مثل تقلب در انتخابات، تاثیرپذیری مردم از تبلیغات به جای آگاهی واقعی و دخل و تصرف مستقیم و غیرمستقیم در آرای مردم را از مشکلات پارلمانتاریسم دانسته‌اند.<sup>(۱۰)</sup> مارکسیست‌ها در برابر پارلمانتاریسم و برای رفع ایرادهای آن، «نظام حکومتی شورای خلق» را قرار دادند. فاشیست‌ها نیز با پارلمانتاریسم و تفکیک قوا و قدرت یافتن پارلمان مخالف بودند. آنها پارلمان را حداکثر به عنوان محلی برای «بحث آزاد» مناسب می‌دانستند. فاشیست‌ها از لوازم اجرای اصل توتالیته (کلیت) را در مورد تشکیلات سیاسی، تخریب پارلمانتاریسم و از میان بردن قوه قضاییه آزاد و مستقل و صعود دادن قوه مجریه به مقام دیکتاتوری می‌دانستند، لذا پارلمان آلمان تابع دستورات کلی رد لیبرالیسم قرار گرفت. اما مخالفان و منتقدان دموکراسی پارلمانی فقط مارکسیست‌ها و فاشیست‌ها نیستند. در میان نویسندگان لیبرالیست و دموکرات غربی هم انتقادهایی بر پارلمانتاریسم وارد شده است. عده‌ای در اصل نمایندگی تردید کرده‌اند؛ این که چه طور ممکن است یک نماینده در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی، نماینده موکلین خود باشد. حال آن که تفاوت‌های زیادی با آنها دارد. عده‌ای از نویسندگان نیز از خطر فرو افتادن دموکراسی‌های پارلمانی به

فاشیسم اظهار نگرانی کرده‌اند. آنها بحران‌های دائمی اقتصادی، بی‌قدرتی اکثریت وسیع در نظام سیاسی، بی‌شخصیتی منحرف کننده جامعه سرمایه داری، به موازات رشد نیروهای سوسیالیستی ضد سرمایه داری و ضدامپریالیستی را موجب جایگزین شدن فاشیسم جای دموکراسی پارلمانی به عنوان شکل مدل سازمان سیاسی جوامع جامعه‌های سرمایه داری می‌دانند.<sup>(۱۱)</sup>

درباره کاستی‌های پارلمانتاریسم فراوان سخن گفته‌اند، ولی باید گفت طرفداران پارلمانتاریسم نسبت به اشکال‌های این نظام تا حدی واقفند، اما معتقدند دموکراسی به دلیل ویژگی‌هایی که دارد، در را باز می‌گذارد تا بر اثر برخورد آراء و منافع اجتماعی، پیشرفت مسیر گردد. در حالی که در سایر نظام‌ها همچون دموکراسی توده‌ای، اصل را بر کمال می‌گذارند و لذا جبران اشکالات میسر نیست. از سوی دیگر طرفداران دموکراسی - به هر شکل و شیوه - هیچ گاه مدعی ارائه بهترین الگو و ساختار حکومتی نشده‌اند، بلکه تنها، دموکراسی را بهترین شیوه ممکن در شرایط فعلی دانسته‌اند. که تنها راه اصلاح و تکامل آن نیز، خود دموکراسی است. به عبارت دیگر، اگر دموکراسی مقصد خوبی نباشد، فعلاً بهترین گذرگاه است.<sup>(۱۲)</sup>



پاورقی‌ها:  
 ۱- Parliamentarism  
 ۲- بحث‌هایی در اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم، علی اصغر حلبی، ۱۳۷۵، ص ۳۲  
 ۳- فرهنگ علوم سیاسی، بهروز شکیبا، انتشارات فروغی، ص ۲۱۶  
 ۴- دانشنامه سیاسی، تاریخ شوروی، انتشارات مروارید، ص ۷۶-۷۷  
 ۵- بنیادهای علم سیاسی، عبدالرحمن عالم، ص ۲۲۸  
 ۶- Parliamentun  
 ۷- دانشنامه سیاسی، تاریخ شوروی، ص ۷۶  
 ۸- بنیادهای علم سیاست، عبدالرحمن عالم، ص ۲۲۲  
 ۹- استبداد، دموکراسی و نهضت ملی، محمد علی (همایون) کانونیان، ص ۷  
 ۱۰- واژه‌های نو، خسرو روزبه، ص ۹۷-۹۹  
 ۱۱- عالم عبدالرحمن، بنیادهای علم سیاسی، ص ۲۹۱  
 منابع:  
 ۱) پارلمانتاریسم در ایران، امیر مسعود شهرام‌نیا، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی چاپ اول ۱۳۷۹  
 ۲) پارلمان، دکتر حبیب دادفر، (نماینده ادوار سابق مجلس شورای ملی در تهران ۱۳۲۳)، چاپ اطلاعات